

بررسی نقش مولفه‌های اخلاقی، هوش اخلاقی و بیداری معنوی در شکل‌گیری جوامع متمدن بشری با استفاده از رویکردهای علمی‌عرفانی

علی محمدی پور

استادیار، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه پیام نور، تبریز، ایران و همچنین مشاور اقتصادی.

نام نویسنده مسئول:

علی محمدی پور

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷

چکیده

وقوع توسعه اقتصادی در غرب و تقویت آن با چپاول ثروت ملل، ایجاد خلاء اخلاقی در جوامع غربی و تمایل جهانی در تقویت بینش علمی به معنویات، اهمیت مفاهیم اخلاقی و معنوی در شکل‌گیری و تحکیم تمدن بشری و لزوم تقویت مبانی نظری مدلسازی در این رابطه، بیانگر اهمیت موضوع تحقیق می‌باشد. نتایج مطالعه بیان می‌دارد افعال تعادلی در جوامع ریشه در میانه‌روی در بهره‌گیری از فعلیت‌های عینی، ذهنی و غریزه‌ای داشته و ارتقاء اخلاقیات و بهره‌مندی از هوش اخلاقی و بیداری معنوی می‌تواند بر کیفیت فعلیت‌ها تاثیرگذار باشد. برآیند مکاتب آسمانی و علمی، می‌تواند هدایت‌گر بشر در مسیر تقویت اشتراکات و ایجاد تعامل‌سازنده در پدیده جهانی‌شدن باشد. چارچوب مدل پیشنهادی، بیانگر نقش زیربنایی صفات اخلاقی در اثرگذاری بر شاخص‌های میانی و از آن طریق شاخص‌های کلانی همچون هوش اخلاقی، بیداری معنوی و فعلیت‌های بشری داشته و از این مسیر بر تقویت الگوهای رفتاری متمدنانه در جوامع بشری نقش آفرینی می‌نماید. پیشنهاد می‌گردد با بهره‌گیری از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره و ساخت شاخص ترکیبی الگوهای رفتاری متمدنانه نسبت به بسط نتایج نظری به کاربردی در مطالعات آتی اقدام شود.

واژگان کلیدی: مولفه‌های اخلاقی، هوش اخلاقی، بیداری معنوی، الگوهای رفتاری متمدنانه و مکاتب آسمانی.

مقدمه

یک رشته مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرامادی فکری، اعتقادی، رفتاری و اخلاقی وجود دارد، که سبب تأمین آسایش و آرامش زندگی انسان‌ها بوده و می‌تواند آنان را در مسیر رشد و تعالی همه جانبه قرار دهد و به منزله چراغ راهی است که می‌تواند تمدنی متعالی را برای انسان‌ها به همراه بیاورد. (تبریزی‌زاده اصفهانی، ۱۳۹۹، ۱۲۸) زیربنای یک تمدن توحیدی، چیزی جز رعایت اخلاق در ارتباطات و برخوردهای اجتماعی نیست. قرآن ویژگی انسان‌های تمدن‌ساز را معنویت و رعایت ارزش‌های الهی بشمار می‌آورد. تمامی کارشناسان عرصه تاریخ تمدن اتفاق نظر دارند که نبود معنویت و اخلاق می‌تواند تمدن را به افول کشاند و به مرور زمان آن را کاملاً نابود کند؛ چنان که امروزه همین مسئله گریبان‌گیر تمدن غرب شده است. (شفیعی دارابی و باقریان، ۱۴۰۰، ۷۴) در این خصوص، هوش اخلاقی (Moral Intelligence) بعنوان پیش فرض اساسی برای هوش زیستی و اجتماعی مطرح بوده که در جهان مدرن کنونی می‌تواند به مثابه نوعی جهت یاب برای اقدامات عمل نماید. هوش اخلاقی، انواع دیگر هوش‌های انسان را در جهت انجام کارهای ارزشمند هدایت می‌نماید. (صوفیانی، ۱۴۰۰، ۵) در حقیقت، هوش اخلاقی تنها به شناخت اخلاقی محدود نشده، بلکه جنبه‌های دیگری همانند احساسات و عملکردهای بشری را در بر گرفته و بعنوان مرکز هوش انسانی، تاثیرات شگرفی بر سایر زمینه‌ها داشته و در قالب یک رشته مشترک بر شکل‌گیری اقدامات آتی بشری تاثیر می‌گذارد. (آیولیا و همکاران، ۲۰۲۱، ۵۶۹) از طرفی نیز وقوع بیداری و مولفه‌های آن، می‌تواند در تقویت اخلاقیات و احیای معنویات در جوامع بشری موثر واقع شده و بعنوان عنصری مکمل برای تقویت وحدت و تمدن‌سازی نقش آفرینی نماید. در نتیجه شکل‌گیری وحدت، بیداری معنوی و هوشیاری انسان‌ها نسبت به اتحاد و هم‌بستگی طبیعی و فطری حاصل شده و درواقع وحدت فطری عامل و مبنای اصلی در بیداری جامعه بشری می‌شود. در سایه چنین وحدت و بیداری است؛ که ملت‌ها و دولت‌ها با تکیه بر اشتراکات، به ارتباط و تعامل بیشتر و هم‌بستگی روی می‌آورند. وحدت فطری، جوامع و انسان‌ها را از پیله‌های خودبینی به دور خود تنیده، به سوی کمال و آزادی فرا می‌خواند. بیداری حاصل از این وحدت، موانع خودساخته بشریت را نابود می‌کند. (علیانسب و سرووند، ۱۴۰۰، ۲۲)

همچنین اعتدال و میانه‌روی در کلیه ابعاد و الگوهای رفتاری، اجتماعی و ... می‌تواند مزیت‌های فراوانی در جوامع انسانی و توسعه تمدن بشری ایفا نماید. در مقابل، ظلم، کم‌فروشی، ربا، زنا، فساد و مانند آن، که در قرآن بعنوان عوامل انحطاط یک تمدن یاد می‌شود، از مهم‌ترین مصادیق ردایل اخلاقی بوده که ناشی از عدم وجود معنویت و معرفت در جوامع بشری ایجاد می‌گردند. وقوع توسعه اقتصادی پایه‌ای در غرب و تقویت آن با چپاول و غارت ثروت ملل، تشدید تحولات مدرنیته در جوامع و نیاز به برخورد اصولی با پدیده فراصنعتی، ایجاد خلاء شدید در اخلاقیات در جوامع غربی و تمایل جهانی در تقویت بینش علمی به معنویات، اهمیت مفاهیم اخلاقی و معنوی در شکل‌گیری و تحکیم تمدن بشری و لزوم تقویت مبانی نظری مدلسازی در این رابطه، علل اصلی نگارش مقاله حاضر واقع شدند. مطالعه حاضر بدنبال ایجاد مبانی نظری قوی برای شاخص‌سازی و مطالعات تجربی در خصوص تاثیرگذاری مولفه‌های اخلاقی، هوش اخلاقی و بیداری معنوی در بروز افعال تعادلی و شکل‌گیری جوامع متمدن بشری می‌باشد. در این راستا، بررسی اثرگذاری فضایل و ردایل اخلاقی بر ایجاد الگوهای رفتاری متمدانه بعنوان هدف اصلی پژوهشی مطرح و واکاوی نحوه تاثیرگذاری و کشف شاخص‌های میانی برای اتصال اخلاقیات به وقوع افعال تعادلی جهت بسط مبانی نظری موضوع پژوهشی مدنظر می‌باشد.

پیشینه تحقیق

با توجه به گستردگی و اقبال عمومی به مباحث اخلاقی (بویژه هوش اخلاقی) و بیداری در تحلیل‌های نظری اخیر، مقالات متعددی در این خصوص تدوین گردیده که ذیلاً خلاصه‌وار به برخی از آنها اشاره می‌شود:

بینشیان و همکاران (۱۴۰۰، ۴۵۹) جهت سنجش تاثیر انواع هوش‌های موثر بر تصمیمات سرمایه‌گذار، به تشریح انواع هوش‌ها پرداخته که هوش عاطفی، هوش معنوی، هوش فرهنگی، هوش اخلاقی، هوش سازمانی، هوش مالی و هوش تجاری مورد استفاده قرار گرفتند. نتایج این مطالعه بیانگر تاثیرگذاری انواع هوش‌های مورد اشاره در تصمیمات سرمایه‌گذاران می‌باشد.

جابری (۱، ۱۴۰۰) در رساله خود به بررسی تاثیر هوش اخلاق بر عملکرد بازاریابی، با نقش میانجی بازاریابی اخلاق در شرکت های فعال شهرک های صنعتی منطقه ارسباران پرداخته که نتایج این مطالعه بیانگر تاثیرگذاری هوش اخلاقی بر بازاریابی اخلاقی و همچنین بازاریابی اخلاقی بر عملکرد بازاریابی می باشد.

سلطانی و همکاران (۱۴۰۰، ۱۷) به ارائه مدل ارتباطی هوش اخلاقی با معنویت کاری، با میانجی گری سرمایه های روان شناختی در کارکنان نیروهای مسلح در شهر تهران می پردازند و نتایج مطالعه آنها بیان می دارد که بواسطه ارتقای میزان هوش اخلاقی و سرمایه روان شناختی می توان شاهد بهبود سطح معنویت در محیط کار بود.

مومنی جو و همکاران (۱۴۰۰، ۳۰) با هدف تعیین نقش مقابله های مذهبی و هوش اخلاقی در پیشبینی سرسختی روان شناختی دانشجویان در دوران کرونا به بررسی وضعیت تمامی دانشجویان دختر و پسر دانشکده پرستاری و مامایی شهر قائن در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ می پردازند. مطابق نتایج حاصله، با ارتقاء هوش اخلاقی و ابعاد آن، میزان سرسختی روان شناختی افزایش می یابد.

علیانسب و سرووند (۱۴۰۰، ۲۲) به بررسی مستندات قرآنی بیداری جامعه بشری بر مبنای وحدت فطری انسان ها پرداخته که نتایج این مطالعه بیان می دارد وحدت فطری عامل و مبنای اصلی در بیداری جامعه بشری می باشد.

نقش مولفه های اخلاقی و هوش اخلاقی در الگوهای رفتاری متمدنانه

هوش، ترکیبی از "عملکردها" و "ساختارها" است؛ عملکرد، توانمندی حل مسئله و ساختار، قدرت ادراک انتزاعی می باشد. بنابراین هوش بصورت یک سطح همه جانبه فردی جهت توانایی ذهنی تعریف می شود. (جواهری، ۱۴۰۰، ۵) "هوش"، ظرفیت سازگاری با موقعیت جدید و "اخلاق"، ظرفیت سازماندهی ارزشی به این موقعیت بوده و از این رو هوش اخلاقی در کنار هوش عقلانی می تواند ژرفای توانمندی های فکری و عاطفی را در ابعاد زندگی انسان نمایان ساخته و نیک اندیشی و نیک خویی را پدیدار نماید. (محبیان، ۱۴۰۰، ۲) گرچه هوش اخلاقی شامل ابعاد هوش بین فردی (توانایی شناخت نیات، احساسات و انگیزه های دیگران) و هوش درون فردی (توانایی درک خود و استفاده از این اطلاعات برای نظم بخشیدن به زندگی خود) می شود و مرتبط با هوش اجتماعی و هیجانی نیز می باشد، ولیکن با همه آن ها متفاوت است. تفاوت اصلی آنها به این صورت بوده که هوش اجتماعی و هیجانی، رها از ارزش (value free) هستند؛ در حالی که هوش اخلاقی ارزش محور (value centered) است. (صوفیانی، ۱۴۰۰، ۴-۵)

از دیدگاه بوربا، هوش اخلاقی شامل هفت فضیلت: انصاف، بردباری، مهربانی، احترام، خویشتن داری، وجدان و همدلی بوده و ابعاد آن شامل: بخشش، دلسوزی، مسئولیت و درستکاری می باشد. هوش اخلاقی اعتقاد عمیق فرد نسبت به ارزش های وی بوده که همه تفکرات و الگوهای رفتاری را جهت دهی می نماید. (جواهری، ۱۴۰۰، ۶) بسیاری از دانشمندان اسلامی مانند فیض کاشانی، عزالی و مجلسی معتقدند که اخلاق، حال یا ملکه ای برای نفس است که با داشتن آن رفتار بدون فکر و اندیشه و با سهولت و آسانی از طرف کسی که دارای این هیئت نفسانی باشد، صادر می شود. (مخلص و شیخ الاسلامی، ۱۴۰۰، ۱۰۷-۱۰۸) لذا مولفه های اخلاقی بعنوان زیربنای شکل گیری رفتارهای بشری مطرح می باشند. گروه بندی صفات اخلاقی بیان شده در قرآن، عبارتند از: الف: فضایل اخلاقی عام عبارتند از: تعقل و تفکر، پیروی از دلیل و منطق، حق گرایی، صبر و استقامت، عدم نفاق و ... ب: فضایل اخلاقی ایمانی عبارتند از: یقین، انقیاد در برابر خدا (طاعت و تقوا، دوری از محارم و ادای فرایض)، سپاس گذاری زبانی و عملی، توبه و استغفار بعد هر خطا و ... ج: فضایل اخلاقی اجتماعی عبارتند از: احسان به والدین، خویشتن، یتیمان، بینوایان و... اعتدال در استفاده از دنیا (اسراف و تبذیر نکردن، زهد، قناعت و کفاف)، رعایت عدل و انصاف، حیا و عفت، وفای به عهد، عفو و گذشت، حلم و فروبردن خشم و ... (داودی، ۱۳۹۲، ۴۸-۴۹)

به اعتقاد دورکیم، تمامی رفتارهای اخلاقی خصوصیت مشترک دارند، همگی از رفتارهایی هستند که از قواعد از پیش موجود تبعیت می نمایند. (مخلص و شیخ الاسلامی، ۱۴۰۰، ۱۲۸) فضایل اخلاقی دارای دو بعد شناختی و انگیزشی بوده که بعد شناختی آن حاکی از ارزشمندی و کمال نمونی فضیلت؛ و بعد انگیزشی آن، حالت تمایل و گرایش فرد به انجام فعل یا ابراز عاطفه خاصی می باشد. (علیزاده و آزاد، ۱۳۹۲، ۱۴) سقراط فضیلت را با معرفت برابر دانسته و معتقد است فرد عاقل که می داند حق چیست، به

آنچه حق است عمل می‌نماید. (کاپلستون، ۱۳۸۶، ج ۱، ۱۳۰) فرد دارای هوش اخلاقی بالا، از باورها و اعمال اخلاقی راسخ برخوردار بوده، به گونه‌ای که به شیوه‌ای صحیح و محترمانه رفتار می‌نماید. (نریمانی و کرامتی، ۱۳۹۹، ۵۰) اخلاق از یک سو، در حفظ باورها در وجود انسان نقش داشته و از دیگر سو، در وضع قوانین و ضمانت اجرایی آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی تاثیر بسزایی دارد. بدون برخوردار بودن از قوانین مترقی و رعایت اصول اخلاقی، نمی‌تواند شاهد وقوع الگوهای رفتاری متمدانه و متعالی در جوامع انسانی بود.

تاثیر بیداری معنوی در شکل‌گیری جوامع متمدن بشری

واژه بیداری در فرهنگ لغت دهخدا به معنی آگاهی، هوشیاری و حتی نهضت و رستاخیز آمده و نکته مقابل خواب و غفلت می‌تواند قلمداد شود. بیداری شناخت آگاهانه و از روی توجهی بوده که مورد باور قرار گرفته و به تحولات و دگرگونی‌های بیرونی می‌انجامد. (حسنی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۱۸) بیداری معنوی در سایه آگاهی (Awareness)، هوشیاری (Astuteness) یا (Alertness)، خودشناسی (Self-knowledge یا Self-consciousness یا Self-awareness)، خودآگاهی (Consciousness) یا (Mindfulness) و طیف گسترده‌ای از دیگر مفاهیم معنوی و اخلاقی قابل وقوع و تقویت می‌باشد.

آگاهی عبارتند از اطلاعات و مشاهدات آماری و تجربی که از مسیر تجربه آگاهانه و حس‌های پنج‌گانه گردآوری می‌گردد. دیوید چالمرز ضمن تفکیک آگاهی به دو گروه کلی آسان و دشوار، مباحث دسترسی یک دستگاه شناختی به اطلاعات، گزارش‌پذیری حالات ذهنی و تفاوت میان خواب و بیداری را از مفاهیم آسان و همچنین مسئله تجربه و پدیده شکاف تبیین (The explanatory gap) را از مباحث دشوار آگاهی قلمداد نمود. استفاده بهینه از قوای عقلی و ذهنی در تفکیک، طبقه‌بندی و پردازش اطلاعات خام اولیه، با تاکید ویژه بر نقش انکار ناپذیری بیداری و تمرکز، موجبات ادراک بهینه و کسب آگاهی خواهد بود. لذا ارتباط روشن و دو سوی بیداری و آگاهی قابل تحلیل می‌باشد. (ویارت و تالون‌بادری، ۲۰۰۹، ۸۷۲۰)

هوشیاری وضعیت آگاهی یا توانایی تجربه است که به سیستم کنترل ذهن مربوط می‌شود. کاهش قابل ملاحظه در سطح هوشیاری می‌تواند موجب کما شود. اخیراً ابزارهای متعددی برای ارزیابی سریع و طبقه‌بندی سطح هوشیاری و بخش‌های تاثیرگذار مغز، طراحی شده است. (کیمیائی‌اسدی و شیرمحمدی، ۱۳۹۹، ۳) تسلط و اطلاع از عوامل درونی و بیرونی مرتبط با فرد، معنی پایه‌ای هوشیاری بوده و کیل استروم هوشیاری را به معنی تنظیم و کنترل فرد و محیط پیرامون خود به منظور آغاز، ادامه و پایان فعالیت‌های رفتاری و شناختی مشخص می‌باشد. (جانسن و همکاران، ۲۰۰۸، ۳۶۸) طرح نظریات رجحان‌های نظری (انتخاب عقلایی و تعریف توابع ریکاردینی و غیرریکاردینی در اقتصاد) بیانگر نواقص آشکار در تعریف آکادمیک هوشیاری بوده که در این رابطه، کرزنر هوشیاری برای تشخیص فرصت کارآفرینانه را مطرح و هوشیاری کارآفرینانه را عامل روشن شدن بینش برتر تعریف می‌نماید... (آلوارز و بارنی، ۲۰۰۰، ۱۳) بیدار و حضور ذهنی کامل (هوشیاری)، ضمن تقویت مقادیر آگاهی نسبت به محرک‌های درونی و بیرونی، در تنظیم الگوهای رفتاری متناسب با عوامل پیرامونی می‌تواند بسیار مفید واقع شود.

خودشناسی (خویشتن‌آگاهی و درک بی‌واسطه از خود) به مفهوم شناخت، تفکیک و انتخاب یکسری از افکار اساسی اندیشیده شده، به جای افکار ناشی از رویدادهای انباشته شده در یک شرایط خاص آنی بوده و بیانگر توانایی کسب آگاهی و اطلاع از خویشتن بعنوان موضوع توجه و تفکر، بدون توجه به افکاری که در نقطه‌ای از زمان در حال وقوع می‌باشد. (گیری و جو، ۲۰۲۲، ۴) الگوی مفهومی خودشناسی مبتنی بر اندیشه‌های مطهری بیان می‌دارد انسان هرچه بیشتر خود را بشناسد و درک بهتری از ویژگی‌های خود داشته باشد، می‌تواند به رشد ابعاد مختلف شخصیتی خود دست یابد. مبانی خودشناسی ایشان در پنج محور، ذو مراتب بودن (دو بعدی بودن انسان)، خدا جویی (خودشناسی مقدمه‌ای بر شناخت آفریدگار)، اندیشه‌ورزی (عقل بعنوان موهبت الهی)، انتخاب‌گری (مختاری و آزادی معنوی) و پویایی و بالندگی (رشد و توسعه حیات) انسان مطرح و خود فیزیکی و وراثتی، خود واقعی، خود آرمانی، خود اجتماعی، خود اخلاقی و معنوی و عزت نفس بعنوان مولفه‌های خودشناسی قلمداد می‌شوند. (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۹-۱۷) تصور ساده و اولیه از خویشتن شناسی، یکسری داده‌های عمومی متمایزکننده ظاهری هر فرد در جامعه از جمله: نام، سن، جنس و ... می‌باشد، ولیکن از دید مفهومی خویشتن‌شناسی با تکنیک‌های برنامه‌ریزی استراتژیک همانند تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری و تحلیل موضوع در قالب رویکرد SWOT (مطابق محمدی‌پور، ۲۰۱۸، ۹-۸) برای بقا و دوام در شرایط رقابتی و

بویژه بخش اول ماتریس تصمیم‌گیری (که به مفهوم آنالیز نکات اساسی ضعف و قوت درونی در شرایط ایستا)، مطابقت داشته تا ارائه یکسری اطلاعات خام صرفاً متمایزگر. ارائه چارچوب عمیقی از توانایی‌ها و باورهای علمی و یا مکتبی (بعضاً متضاد) و تحلیل نکات ضعف و قوت درونی موجود، نیازمند یک بیداری معنوی و تمرکز خاص همراه با دانش‌مداری روز می‌باشد.

خودآگاهی (ذهن‌آگاهی، ضمیر ناخودآگاه، وجدان و باطن) ریشه در فرهنگ‌های شرقی همانند بودایی داشته و در متون بودایی به معنی آگاهی داشتن و توجه است. از دیدگاه کابات زین، خودآگاهی به معنی توجه کردن به یک روش خاص، هدفمند، در لحظه حال بودن و بدون قضاوت می‌باشد. (فرزین‌راد و همکاران، ۱۴۰۱، ۳۴۶) خودنظم‌دهی توجه و جهت‌گیری فرد نسبت به تجربه زمان حال که شامل کنکجایی، گشودگی و پذیرش بوده، از مولفه‌های اصلی خودآگاهی است. (اسکات و مالوف، ۲۰۱۸، ۱۲) مطابق کینگستون و همکاران (۲۰۰۷، ۲۹۸) شخصی که در خودآگاهی، در حال انجام مراقبه بوده، با تمرکز و دقت به حقایق لحظه حال پرداخته و هر رویداد را همان‌گونه که هست و اتفاق افتاده، می‌بیند. خودآگاهی با بهزیستی ذهنی، بهزیستی روان‌شناختی و سلامت روان رابطه مثبت داشته و موجب بهبود افسردگی و اضطراب می‌شود. همچنین با کارکردهای توجه پایدار، عزت‌نفس، رضایت‌شغلی و استرس‌شغلی رابطه معنادار نشان داده و در مسائل بین‌فردی و درون‌فردی دارای مزایایی بوده که موجب بهبود تنظیم هیجانی و افزایش تاب‌آوری می‌شود. (فرزین‌راد و همکاران، ۱۴۰۱، ۳۴۷) با بهره‌گیری از خودآگاهی، مشکلات و نگرانی‌های فرد به روش سالم مدیریت شده و در موقعیت‌های بحرانی، تصمیم‌گیری موثری بعمل آمده و شخص می‌تواند به تعادل ذهنی و احساسی پایدارتری دست یابد. (کایون و همکاران، ۲۰۱۹، ۶۲) خودآگاهی، آگاهی روشن شخص به آنچه در درون و در تعامل با محیط بیرون در لحظات متوالی ادراک رخ می‌دهد که به مفهوم حفظ هوشیاری شخص به واقعیت کنونی نیز تعریف کرده‌اند. (غریبی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۶۹) لذا خودآگاهی ارتباط مستقیم با آگاهی و هوشیاری و حتی خودشناسی داشته و پیوند ارتباطی عمیق فی‌مابین باطن موجود در یک فرد و پردازش اطلاعات در بخش آگاه وی، پیوند بنیادین و ساختاری بین خودآگاهی و بیداری معنوی را متبیین می‌نماید.

مبانی نظری گرایش به محور مشترک در ادیان آسمانی

کلیه مکاتب ضمن تبیین و تفسیر انسان و جهان، بایدها و نبایدهای انسانی را در بستر جهان‌بینی و ایدئولوژی خود، مشخص می‌نمایند. تفاوت ساختاری موجود در آن‌ها، درماهیت آسمانی و علمی بودن قرار دارد. مکاتب آسمانی با تکیه بر بنیاد فرا زمینی از سرچشمه متافیزیک سرشار گردیده و علیرغم برخورداری از اصول اولیه ثابت، در بستر زمان و فرهنگ جوامع و همچنین شدت وضعف پیروان و تفاسیر و خودخواهی آن‌ها، دست‌خوش تغییرات و تحولات گردیده و تفاوت‌های عملکردی نشان می‌دهند. ولیکن با توجه به نسبی بودن علوم و تجربه آزمون و خطا، مکاتب علمی به تدریج در بستر زمان رو به تکامل بوده، علیرغم بسط مباحث متافیزیک به اهداف نظریه‌پردازی آن‌ها، هدف اصلی این مکاتب اهداف دنیوی با روابط علت و معلولی مشخص و قابل آزمون می‌باشد. هر لحظه ممکن است یافته‌های جدید، به نقد باورهای بنیادین آن مکتب پرداخته و سیر جدیدی در باورهای فنی را ایجاد نماید. بشر همواره در بستر تاریخ با محور قرار دادن و اعتماد به مکاتب آسمانی یا علمی به تدوین برنامه زندگی خود پرداخته که با وقوع پدیده رونسانس در جوامع غربی، محوریت از مکاتب آسمانی به مکاتب علمی تغییر یافت. کیل استروم در تعریف هوشیار، علاوه بر ادراک و دریافت عوامل درونی و بیرونی موجود در پیرامون فرد، به تنظیم الگوهای رفتاری متناسب با عوامل درونی و محیطی و اتخاذ رجحان انتزاعی در بازه زمانی پویا اشاره نموده که مفهوم رویکردهای برنامه‌ریزی استراتژیک و حتی عملکرد دین و برنامه‌ریزی آسمانی نیز می‌باشد. وجود بعد روحانی و معنوی در کنار بعد مادی و جسمانی، بیان می‌دارد با بهره‌گیر صرف از رویکردهای مادی و نظریات علمی نمی‌توان به بهینه‌یابی اصولی دست یافت. بنابراین بشر همواره مجبور به اعتماد به باورهای متافیزیک محور بوده که ایمان و باورهای دینی برگرفته از کتب آسمانی، می‌تواند الگوی مناسبی برای سعادت‌مندی بشر باشد؛ چنان که تاریخ نشان داده است که هرگاه سطح ایمان و باورهای دینی مردم یک جامعه افزایش یافته، اصلاحات اجتماعی و بحران‌ها بهتر مدیریت شده و آرامش در جامعه گسترش یافته است. (طباطبایی، ۱۴۰۰، ۹۸) دین چیزی به غیر از برنامه جامع زندگی برای بشر نیست. علیرغم رویکردهای کارکردگرایی و ذات‌گرایی در دین‌پژوهشی، دین متشکل از مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات است که حول مفهوم حقیقت‌غایی سامان یافته است. (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ۴-۵)

در آیه ۳۵ احقاف در قرآن سه ویژگی جهان‌شمولی، شریعت‌مداری و برخورداری از کتاب، برای تشخیص پیامبران اولوالعزم (صاحبان اراده محکم) بیان شده و بر مبنای اعتقادات خاص به ادیان ابراهیمی، ادیان یهودیت، مسیحیت و اسلام را می‌توان در گروه ادیان آسمانی اصلی لحاظ نمود. البته دیانت زردتشت نیز به برخورداری از برخی ویژگی‌های خاص، می‌تواند بعنوان چهارمین دین به این لیست اضافه گردد. در مقابل ادیان الهی، ادیان غیر الهی بی‌شماری وجود دارند. فرقه‌ها منحرف بی‌شماری با دستاویز قرار دادن یکسری از اصول بنیادین، دیدگاه‌های انتقادی پست‌مدرنیسم ارائه می‌نمایند، از جمله: بهائیت، وهابیت، فرقه‌های شیطان-پرستی، داعش، انواع عرفان‌ها و... در صورتی که هریک از ادیان الهی را یک تز، جریان‌های مخالف را آنتی‌تز بنامیم؛ مطابق نظریات مارکس، سان‌تزه‌های متعددی در طول زمان قابل تشکیل بوده که خود می‌تواند منبع جریان‌های انحرافی در ادیان آسمانی باشد. بشر به واسطه جهالت و ساده لوحی در دام خرافات گرفتار می‌شود و حتی با پیشرفت تکنولوژیکی، گرایش به خرافات و باورهای متافیزیکی از خود نشان می‌دهد. این امر لزوم توجه به اخلاقیات و بیداری نسل بشری برای تشخیص حق و باطل و تحلیل‌های کارا تحت بازه‌های زمانی مختلف را متبیین می‌نماید. در غیر این صورت، احتمال گرفتاری در باورهای باطل و انحرافات فکری و سان‌تزه‌ها در هم تنیده، به شدت افزایش خواهد یافت.

کثرت‌گرایان دینی تصدیق می‌کنند که همه ادیان بزرگ راهی به سوی نجات عرضه می‌نمایند و همه آن‌ها در بردارنده حقیقتی دینی‌اند و تفاوت ادیان نسبی است. به‌باور آنان، سرچشمه و تحولات هر یک از ادیان با سرچشمه‌ها و تحولات سایر ادیان پیوند داشته است. (مظاهری، ۱۳۸۹، ۷۸) در عین وجود تفاوت‌های آشکار در ادیان آسمانی، محوری مشترک و یکسان برای این ادیان می‌توان به تصویر کشید. به عنوان نمونه ده فرمان حضرت موسی شامل امور اعتقادی، اخلاقی و همچنین احکام شرعی و فقهی بوده که شالوده دین یهودیت و به منزله قانون اساسی این دین می‌باشد. (لطیفی، ۱۳۹۷، ۱۶۸-۱۶۹) در مفهوم فردی، اطاعت را می‌توان التزام هر یهودی معتقد به ده فرمان و احکام ششصد و سیزده‌گانه ناشی از آن‌ها دانست. (لطیفی، ۱۳۹۷، ۱۸۰) به راحتی می‌توان ده فرمان موسی را در ادیان زرتشت، مسیحیت و اسلام نیز با تفاوت‌های جزئی مثلاً تغییر روز شنبه به یکشنبه در مسیحیت، جمعه در اسلام و سیکل چرخشی خاص در زردتشت انطباق‌یابی نمود. نوع نگرش به موضوع اختلافات فی‌مابین ادیان و برخورداری از بیداری معنوی در مواجهه با این تفاوت‌ها بسیار حائز اهمیت می‌باشد. چراکه پیروان هر دین، نوعاً نگرش انحصارگرایانه از دین خود دارند و معتقدند که تمام حقیقت منحصر به دین آنان است و سایر ادیان خارج از گستره حقیقت و محکوم به بطلان و ظلال‌اند. با وقوع پدیده جهانی‌شدن و گسترش ارتباط مذاهب، طرح مباحث تفرقه‌انگیز می‌تواند مشکل‌ساز گردد. از نظر عرفا رابطه جهان با خدا، در حکم رابطه اشعه نسبت به خورشید بوده و انبیاء نیز از نوری واحد سرچشمه می‌گیرند و رمز وحدت ادیان با گذر کردن از قشر ظاهری دین و رسیدن به مغز آن آشکار می‌شود که توجه به آن انسان را از تفرقه و نزاع نجات می‌دهد. (مظاهری، ۱۳۸۹، ۷۸-۷۷) برخی از عرفای قدیم و فیلسوفان دینی جدید همچون مولوی و کنتول اسمیت مدعی هستند، امکان وحدت ایمان بشر و تشکیل یک الهیات جهانی در آینده، که در آن ادیان با وجود حفظ کثرت و اختلاف صور و سنن دینی خاص خود، به وحدت ذاتی و غایی دینی که مبتنی بر وحدت ایمان و غایت دینی یعنی رستگاری است نایل شوند، نیز به وجود می‌آید. (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ۲) توجه به مسئله وحدت، بشریت را از فراقکنی و خودکامگی دور کرده و او را بیش از هر چیز به یافتن نقاط مشترک و گردآمدن پیرامون آن فرا می‌خواند. هرچه مبنای وحدت قوی‌تر و همگانی‌تر و دارای شمول زمانی باشد، انسان‌ها بدون تفرقه و اختلاف، استکبار و استضعاف در کنار هم زندگی خواهند کرد. (علیانسب و سرووند، ۱۴۰۰، ۲۲)

مبانی نظری گرایش‌های تعادلی و شکل‌گیری افعال تعادلی

بر اساس تفکرات حضرت علی (ع)، کلیه اجرام آسمانی، موجودات زنده، ملکول‌ها و اجزای آن‌ها، دارای یک موقعیت فضایی و تعادلی بر مبنای یکسری جاذبه‌ها و دافعه‌های پایه‌ای می‌باشند. جهت روشن‌تر شدن موضوع، یک الکترون نمونه تحت تاثیر دو قانون جاذبه به هسته مرکزی خود و جاذبه به هسته مرکزی زمین، وضعیت باثباتی پیدا می‌نماید. الکترون، ابتدا تحت تاثیر نیرو جاذبه تعادلی خاصی بر اساس تعداد الکترون مورد نیاز برای هسته مرکزی، تحت تاثیر یک جاذبه منحصر به فرد قرار می‌گیرد؛ این در حالی است که همان الکترون و هسته مرکزی آن، تحت تاثیر قانون جاذبه زمین در فضا در حال سیر می‌باشند. در صورت برخورد دو هسته به هم و در صورت وقوع واکنش‌های شیمیایی بین دو هسته، همین الکترون تحت تاثیر کنش بین هسته‌ای و

جاذبه زمین قرار گرفته و به وضعیت تعادلی جدید دست می‌یابد. بنابراین الکترون نمونه تحت تاثیر موقعیت نسبی خود در فضای و بر اساس قوانین جاذبه و دافع موجود در پیرامون خود، از یک وضعیت تعادلی نسبی در فضا برخوردار می‌شود. حضرت علی (ع) علاوه بر طرح تعادل عمومی در کائنات، افعال انسانی را نیز در پی ایجاد و حفظ تعادل کنشی تشریح می‌نماید که با بهره‌گیری از غرایز ذاتی، موقعیت‌های اجتماعی و شخصیتی حادث می‌گردند. رفتار غریزه‌ای در نهاد انسان و حیوانات با بروز پدیده‌های گرایش دهنده خشم و هوس می‌تواند عامل کنترل‌کننده الگوهای تعادلی رفتاری باشد. بعنوان نمونه یک گربه در قالب بروز خشم در چهره و تولید صداهای خشمناک، علامت اولیه مبنی بر دفع یک موجود زنده را از پیرامون خود تولید می‌کند، مسلماً با بروز هوس و پدیده جفت‌گیری نیز اوج جاذبه رفتاری این حیوان قابل تبلور می‌باشد. دو الگوی غریزه‌ای خشم و هوس در موجودات زنده متشابه با قوانین جاذبه و دافعه در فیزیک عمل نموده و در دست یابی به تعادل رفتاری و حالت متعادل‌کننده رفتار اجتماعی فی مابین دو یا چند موجود زنده نقش آفرینی می‌نمایند. طیف گسترده‌ای از الگوهای رفتاری، حرکتی و محیطی بر مبنای حواس پنجگانه، حتی نوع و لحن به کارگیری کلمات و اصول متعدد روان‌شناسی کارکردی بر شدت و ضعف این گرایش‌ها و کیفیت آن‌ها تاثیرگذار بوده و در دستیابی به تعادل پایدار نسبی نقش‌های مکملی را بر عهده دارند. حتی دکوراسیون طراحی مذاکرات حول میز دایره (گرایش اولیه طرفین برای دستیابی به نکات مشترک) و یا مربع (جبهه متمایز طرفین و تمایل به امتیازگیری از همدیگر)، تحلیل‌های روان‌شناسانه متفاوتی دارند. (محمدی پور، ۱۳۹۷، ۱۱۹۷-۱۱۹۹)

گرایش به برقراری تعادل و وضعیت با ثبات در کائنات تنها به موقعیت فیزیکی اجرام و گرایش‌های رفتاری و اجتماعی خلاصه نمی‌شود، بلکه مطالعات نشانگر وجود تعادلات پایه‌ای در کلیه ارکان آفرینش می‌باشد. فلاسفه و اندیشمندان یونان باستان تاکید خاصی به تعادل و ذات طبیعی تعادل‌گرایی داشتند، تفکرات فیزیوکراتیسم (تسلط طبیعت) در لیبرالیسم و اصل تعادل در اقتصاد از جمله پایه‌های شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری غرب بود. مبنای فکری این مکتب بر پایه فلسفه دئیسم (Deism یا خداپرستی طبیعی) نهضتی عظیم بر علیه کلیسا بوجود آورد که منکر وحی و کفایت عقل و ندای طبیعت برای سعادت بشر بودند. مکتب فکری ناتورالیسم (Naturalism) بعنوان یک جهان‌بینی فلسفی، بیان می‌داشت: همه چیز به وسیله طبیعت و طبیعت تنها به وسیله خودش توضیح پذیر می‌باشد. همواره مکاتب دین‌مداری چون اسکولاستیک‌ها و سایر مکاتب فکری همانند: مرکانتلیسم‌ها، کلاسیک‌ها و ... بر پایه اعتقادات تعادل‌محوری به نظریه‌پردازی می‌پرداختند. (نمازی، ۱۳۷۴، ۲۱-۲۵) وضعیت‌های تعادلی چه همگرا و چه واگرا را می‌توان یک وضعیت متعالی نامید و کلیه نظریه‌پردازی‌ها در این وضعیت قابل ترسیم می‌باشد. وضعیت تعادلی در بازار کالای خاص، بیان می‌دارد نه مازاد و نه کمبودی در آن بازار وجود دارد. با تسری موضوع به کل ساختار اقتصادی، در وضعیت تعادلی، شاخص‌هایی چون ثبات و آرامش برقرار بوده و در کالبد این سکون، بازارهای کلی و متعاقب آن جزئی تسویه شده و در تعادل عمومی قرار می‌گیرند. مطابق محمدی پور و همکاران (۱۴۰۰، ۸۸-۹۳) رویکرد تعادل عمومی پویای تصادفی (مدل‌های DSGE) با مدل‌سازی وجود تعادلات در کلیه بازارها، با ایجاد یک شوک یا تکان به سنجش برآیند نوسانات ایجاد شده در تعادلات می‌پردازد که تکنیک بروز جهانی می‌باشد. در الگوهای انسانی و اجتماعی، ثبات رفتاری و پایبندی به اصول اخلاقی، باعث تمایل به معاشرت بیشتر و طبقه‌بندی شخصیتی افراد در درجات بالاتر می‌گردد. بسط موضوع به کلیه ابعاد مادی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... بیانگر گرایش به وضعیت با ثبات و تعادل عمومی در ارکان آفرینش بوده و استخراج روابط علی واقعی بین متغیرهای در این وضعیت قابل استنتاج می‌باشد.

کلیه اعمال و فعلیت‌های رخ داده در جوامع، در نتیجه مکاتب آسمانی رایج، مکاتب فکری، باورها، اعتقادات، رویکردهای مطالعاتی و روش‌های تحقیقاتی حاصل می‌گردد که عبارتند از: الف: فعلیت غریزه‌ای: افعال با ریشه فطری و غریزه‌ای شامل: کلیه اعمال و واکنش‌های غریزه‌ای محور که ماهیت مشترک بین انسان و حیوان دارند. عموماً در سایه بیداری، این افعال قابل وقوع بوده و برخوردار از اخلاقیات و بیداری معنوی، سطح عمومی این افعال را بهبود می‌بخشد. افعال غریزه‌ای علیرغم نهادی بودن در فطرت موجود زنده، با سطح شعور و آگاهی موجود زنده در ارتباط می‌باشد. ب: فعلیت ذهنی: پژوهش‌های بیان می‌دارد عموماً افعال واقع شده، ریشه در الگوسازی ذهنی دارد؛ یعنی موجودات زنده با شبیه‌سازی افعال در ذهن خود، نسبت به بروز آن‌ها اقدام می‌نمایند. در پژوهش‌های اسلامی نیز ابتدا گناه در ذهن واقع شده و سپس فرد در عمل مرتکب آن اشتباه می‌شود. البته الگوهای ذهنی که حالت فطری و نهادی دارند، در گروه "الف" قرار گرفته و افعال ذهنی که بر اساس باورهای، مکاتب اعتقادی و رویکردهای

فکری انسان‌ها شکل می‌گیرند، در تقسیم‌بندی فعلیت ذهنی قرار می‌گیرند. لذا این گروه از فعلیت‌ها بشدت تحت تاثیر مولفه‌های بیداری (ظاهری و معنوی) و اخلاقی عمل نموده و می‌تواند به گروه فعلیت‌های دیگر تاثیرگذار باشد. ج: فعلیت عینی: موجودات زنده گاهاً بر مبنای تقلید و تشابه‌سازی از اعمال رویت شده، مبادرت به انجام افعال خود می‌نمایند. بعبارت دیگر، علاوه واکنش‌های فطری و عملکرد مکتبی‌محور، گروه دیگری از اعمال ناشی از تقلید و الگوبرداری چشمی می‌باشند. انتخاب رهبر، مربی، استاد و راهنما زنده و سعی بر تنظیم عملکرد علمی یا عمومی، با توجه به عملکرد استاد، به این گونه از فعلیت‌ها اشاره داشته که رابطه مستقیم با مولفه‌های بیداری و اخلاقی دارد و به شدت نسبت به بیداری ظاهری وابستگی ساختاری نشان می‌دهد. در فعلیت ذهنی نیز الگوسازی از مکتب می‌تواند در قالب انتخاب فرد و یا افرادی از مظاهر آن مکتب باشد. ولیکن اساتید از دوره زمانی گذشته در تقسیم‌بندی فعلیت ذهنی قرار می‌گیرند، چراکه در آن فعلیت ناشی از مشاهده عینی قابل وقوع نیست. (محمدی‌پور، ۱۳۹۷، ۱۲۰۴-۱۲۰۶)

علمای اخلاق متعقدند هر کاری دو حد نهایی دارد: افراط و تفریط. اعتدال و میانه‌روی، به مفهوم انتخاب و سیر در مسیر میانه و وسط می‌باشد. یعنی اعتدال در خوردن، حد وسط پرخوری (افراط) و کم خوری (تفریط) است. در آیه ۱۴۳ سوره بقره به وضوح به امت وسط تاکید شده است. مسیحیان حین عبادت رو به محل تولد حضرت عیسی در بیت المقدس می‌ایستادند که نسبت به محل سکونت‌شان در شرق قرار داشت و یهودیان نیز رو به همین مکان که نسبت به محل سکونتشان در غرب قرار داشت و موقعیت مکانی کعبه بین این دو مکان بوده و می‌تواند تفسیر مکانی از امت وسط و مباحث مربوط به تغییر قبله مسلمین باشد. در مباحث فلسفی یکسان بودن قبله مسلمانان و یهودیان اشاره به وحدت ادیان و تغییر قبله مسلمین به حد وسط، می‌تواند اشاره به انحرافات تشدید شونده در دیانت یهود و لزوم توصیه به میانه‌روی به آن‌ها قلمداد می‌شود. از طرفی نیز در اندیشه دورکیم تربیت اخلاقی از طریق عادات و اقتدار صورت پذیرفته و در کنار تاثیر شدید عادات بر الگوهای رفتاری، اقتدار معلم نه از مسیر فشار و استبداد، بلکه از طریق الگودهی عملی به متعلم می‌بایست محقق گردد. (مخلص و شیخ الاسلامی، ۱۴۰۰، ۱۳۰) بر این اساس، از دید تفاسیر تخصصی و آیات تکمیلی دیگر، امت وسط به الگوهای انسان‌های کامل همانند امامان معصوم (ع)، جهت الگودهی عملی اشاره دارد. منشا اعتدال در مباحث اخلاقی، ارزشمند دانستن نعمت‌های الهی، پایان‌پذیری آن‌ها از بعد اقتصادی و هزاران آثار مخرب افراط در برخورداری و مصرف آن‌هاست. در نهج البلاغه آمده، "سیرته القصد" یعنی الگوی رفتاری پیامبر، میانه و معتدل بود. در حکمت ۷۰ نهج البلاغه هم حضرت علی (ع)، عقل را معتدل و جهل را افراط‌گر تفسیر نموده و انسان عاقل را به میانه روی توصیه می‌نماید. آیه ۱۹ سوره لقمان، می‌فرماید حتی در راه رفتن هم میانه‌روی نمائید. واژه اقتصاد هم به مفهوم میانه‌روی در درآمد و مخارج بوده و در اسلام به میانه‌روی در کلیه امور: عبادت، سخن گفتن، خشم، غریزه جنسی و حتی دنیا طلبی، تاکید گردیده است. لذا امت وسط بیانگر تاکید ویژه اسلام به رعایت اعتدال و میانه‌روی در تمام ابعاد زندگی بشری و برخورداری از ارزش‌های مادی و معنوی بوده تا در سایه اعمال آن در کلیه افعال و اعمال شخصی و روابط اجتماعی انسان‌ها، صدور افعال معتدل و متمدانه محقق گردد. گروهی از یهودیان جز گرایش‌های مادی چیز را نمی‌شناسند و گروهی از راهبان مسیحی بطور کلی لذت‌های دنیوی را کنار می‌گذارند. الگوهای رفتاری معتدل، نه غارت، طغیان و سایر رذایل اخلاقی را مدنظر قرار می‌دهد و نه تاکید صرف به انجام فضایل اخلاقی محض و غافل شدن از جهان مادی را توصیه می‌نماید، تعادلی که از برآیند افعال مذکور بوده و ناشی از میانه‌روی و ثبات در امور باشد، به مفهوم نظری افعال تعادلی بوده که مبانی نظری شهرنشینی و توسعه اجتماعات بشری را شامل می‌شود. با توجه به وجود پدیده تراحم در جوامع بشری (استفاده و برخورداری عده‌ای از افراد جامعه از امکانات محدود جامعه، گروه دیگر را از آن امکانات محروم و یا مطلوبیت آن‌ها را کاهش می‌دهد...) و همچنین کثرت و اختلاف در اعتقادات دینی و مکتبی، لزوم احترام به قوانین و حقوق اجتماعی، پیروی از الگوهای رفتاری و اخلاقی مورد تایید عمومی و به طور کلی همزیستی مسالمت‌آمیز در اجتماعات، به مفهوم بروز افعال تعادلی و متمدانه می‌باشد.

مدلسازی نحوه تاثیرگذاری متغیرها در شکل‌گیر افعال تعادلی

نتایج مطالعه حاضر بیان می‌دارد که الگوهای رفتاری متمدانه ناشی از برآیند فعلیت‌های بشری (غریزه‌ای، ذهنی و عینی)، هوش اخلاقی و ابعاد دربرگیرنده آن، بیداری معنوی و مولفه‌های چهارگانه آن بوده و در عین حال بشدت تحت تاثیر اخلاقیات و

مولفه‌های اخلاقی می‌باشد. با توجه به اینکه در علوم اجتماعی و رفتاری، کلیه متغیرها بطور همزمان بر یکدیگر تاثیر گذاشته و از هم تاثیر می‌پذیرند و پیچیدگی‌های خاصی در روابط علی فی مابین آنها حاکم می‌باشد؛ استفاده از رویکردی که بتواند بطور همزمان تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها را در مدل لحاظ نموده و دارای جامعیت و نگرش سیستماتیک باشد، می‌تواند موثرتر واقع شود. زیرا که استفاده از تک معادله و نگرش انفعالی نمی‌تواند در این گونه مطالعات واقعه‌بینانه عمل نماید. تکنیک معادلات همزمان (SEM یا Simultaneous Equation Models) دارای قابلیت‌های گسترده‌ای بوده‌ای بوده، بطوریکه در مطالعه فرینتینو و وتا (۲۰۲۱، ۴۱۰-۴۱۱)، پژوهشگران ایتالیایی از این رویکرد برای مدلسازی الگوهای سیاست‌گذاری بانک ژاپن و سیاست پولی ژاپن (یکی از بایات‌ترین ساختارهای اقتصادی جهان) بهره‌گرفته‌اند. مزیت اصلی استفاده از سیستم معادلات همزمان، علاوه بر استفاده از گروهی از معادلات بجای تک معادله برای مدلسازی، امکان ورود گسترده متغیرهای توضیحی در مدل با روابط علی پیچیده می‌باشد. معادلات یک تا چهار بیانگر یک گروه از معادلات همزمان بوده که بعنوان نمونه، خودآگاهی بعنوان یک متغیر توضیحی، بر بیداری معنوی بعنوان یک شاخص میانی یا ارتباطی تاثیرگذار بوده و از طریق آن، بر شاخص هدف یعنی الگوهای رفتاری متمدانه تاثیر می‌گذارد. سیستم‌های معادلات همزمان علاوه بر لحاظ نمودن تاثیر خالص متغیرها (مانند بیداری معنوی) بر شاخص هدف، قابلیت در نظر گرفتن تاثیرات غیرمستقیم متغیرهای توضیحی فرعی (بعنوان نمونه افزایش خودآگاهی و تاثیر القایی آن بر متغیر هدف) را نیز دارا می‌باشند. این برتری، باعث استفاده از این رویکرد در مدلسازی‌های سیستماتیک همانند موضوع مطالعه اخیر گردیده است.

رابطه (۱) (فعلیت‌های بشری، بیداری معنوی، هوش اخلاقی) تابع = الگوهای رفتاری متمدانه

رابطه (۲) (بخشش، دلسوزی، مسئولیت، درستکاری) تابع = هوش اخلاقی

رابطه (۳) (خودآگاهی، خودشناسی، هوشیاری، آگاهی) تابع = بیداری معنوی

رابطه (۴) (فعلیت‌های عینی، فعلیت‌های ذهنی، فعلیت‌های غریزه‌ای) تابع = فعلیت‌های بشری

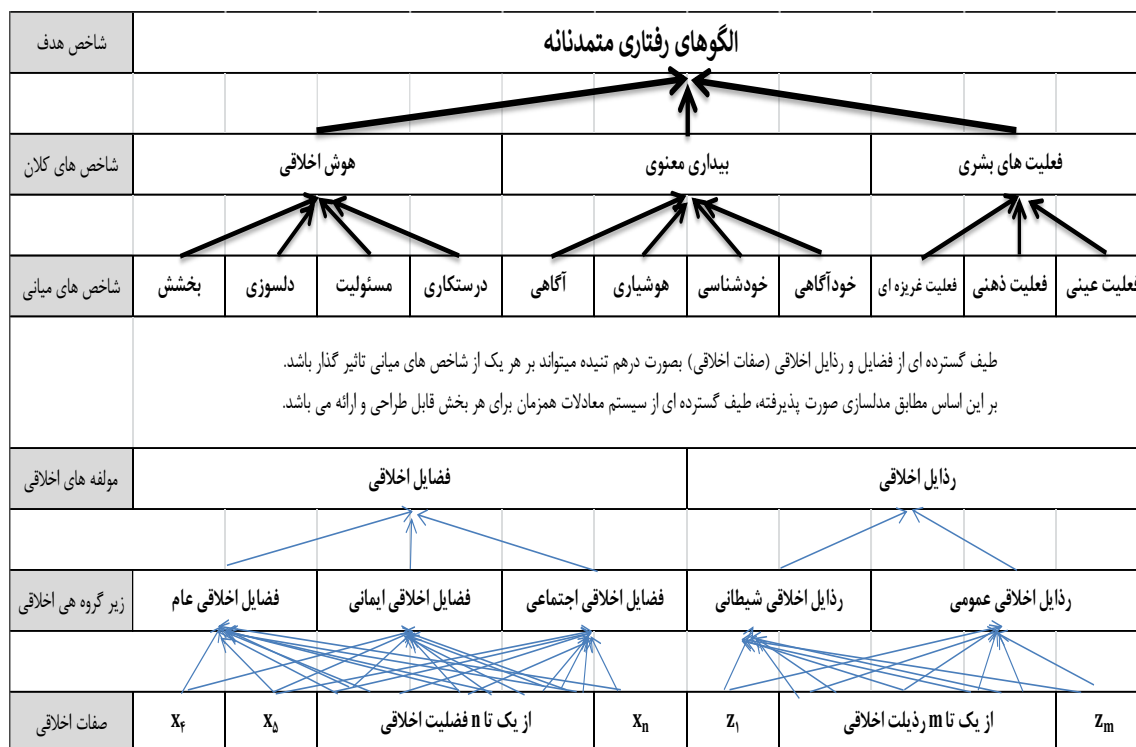
رابطه یک بیانگر نقش سه متغیر کلان و اصلی فعلیت‌های بشری، هوش اخلاقی و بیداری معنوی در شکل‌گیری افعال تعادلی یا متمدانه داشته و روابط ۲ تا ۴ نیز متغیرهای تاثیرگذار میانی تاثیرگذار برای هر یک از متغیرهای کلان و اصلی را بیان می‌نمایند. به این ترتیب، روابط ۱ تا ۴ بیانگر یک سیستم معادلات همزمان در وضعیت ساده و پایه‌ای می‌باشد. رابطه ۵، نیز به تنهایی در برگیرنده یک سیستم معادلات همزمان در مقیاس جز (در مقایسه با سیستم معادلات قبلی) می‌باشد. بطور مشابه عین رابطه ۵، میتوان سیستم معادلات جزئی برای بیداری معنوی و فعلیت‌های بشری نیز ارائه نمود که جهت خلاصه‌سازی از بیان آن‌ها در این قسمت خودداری گردیده است. معادل اول در رابطه ۵، چهار بعد اصلی تاثیرگذار بر هوش اخلاقی را مشخص می‌نماید و معادلات ۲ تا ۵ (رابطه ۵)، بیان می‌دارد که هر یک از ابعاد هوش اخلاقی می‌توانند از طیف گسترده‌ای از فضایل و رذایل اخلاقی نشأت گیرند. بعنوان نمونه بعد بخشش، می‌تواند برآیند تاثیرات n فضیلت اخلاقی (ممکن است بعضی از فضایل اخلاقی بر آن تاثیرگذار نباشند و مقدار آنها صفر لحاظ می‌گردد) منهای m رذیلت اخلاقی بوده که به طور غیرمستقیم از طریق معادله اول رابطه ۵، بر هوش اخلاقی و به واسطه رابطه یک نیز بطور غیرمستقیم بر الگوهای رفتاری متمدانه تاثیرگذار می‌باشد. به این ترتیب با استفاده از این تکنیک، تاثیر اخلاقیات بعنوان شاخص زیربنایی مطالعه در قالب نگرش سیستماتیک قابل مدلسازی است. رابطه (۵)

(بخشش، دلسوزی، مسئولیت، درستکاری) = هوش اخلاقی

$$\begin{aligned} \text{بخشش} &= \sum_{1}^n x_1, x_2, x_3, \dots, x_n \text{ (فضایل اخلاقی)} - \sum_{1}^n z_1, z_2, z_3, \dots, z_m \text{ (رذایل اخلاقی)} \\ \text{دلسوزی} &= \sum_{1}^n x_1, x_2, x_3, \dots, x_n \text{ (فضایل اخلاقی)} - \sum_{1}^n z_1, z_2, z_3, \dots, z_m \text{ (رذایل اخلاقی)} \\ \text{مسئولیت} &= \sum_{1}^n x_1, x_2, x_3, \dots, x_n \text{ (فضایل اخلاقی)} - \sum_{1}^n z_1, z_2, z_3, \dots, z_m \text{ (رذایل اخلاقی)} \end{aligned}$$

$$\text{درستکاری} = \sum_1^n x_1, x_2, x_3, \dots, x_n \text{ (فضایل اخلاقی)} - \sum_1^n z_1, z_2, z_3, \dots, z_m \text{ (رذایل اخلاقی)}$$

نتایج مطالعه حاضر بیان می‌دارد مولفه‌های اخلاقی متشکل از ترکیبی از انواع مختلف فضایل و رذایل اخلاقی زیربنای نگرش‌ها و عملکردهای بشری می‌باشند. بر این اساس نمودار یک، ساختار پایه‌ای مدلسازی صورت گرفته را با نقش زیربنایی اخلاقیات و چگونگی پیوند شاخص‌های میانی و کلان جهت حصول به شاخص هدف را بصورت شماتیک به تصویر می‌کشد.



نمودار ۱. ساختار مدلسازی نحوه تاثیرگذاری مولفه‌های اخلاقی بر شاخص‌های میانی، کلان و نهایی مورد بررسی

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه گیری و پیشنهادات

نتایج حاصل از مطالعه حاضر در مباحث تاثیرگذاری مولفه‌های اخلاقی و هوش اخلاقی همراستا با مطالعاتی چون: مومنی‌جو و همکاران (۱۴۰۰)، محبیان (۱۴۰۰)، علیزاده صوفیانی (۱۴۰۰)، جواهری (۱۴۰۰)، سلطانی و همکاران (۱۴۰۰)، جابری (۱۴۰۰)، بینشیان و همکاران (۱۴۰۰) و آیولیا و همکاران (۲۰۲۱)، در خصوص در مباحث مربوط به تاثیرگذاری بیداری و مولفه‌های آن همراستا با مطالعات: غریبی و همکاران (۱۴۰۰)، جعفری و همکاران (۱۴۰۰)، فرزین‌راد و همکاران (۱۴۰۱) و کایون و همکاران (۲۰۱۹)، در مباحث گرایش‌های اعتدالی و وحدت‌گرایی همراستا با: ابراهیمی (۱۳۸۶)، مظاهری (۱۳۸۹)، لطیفی (۱۳۹۷)، طباطبایی (۱۴۰۰) و علیان‌سب و سرووند (۱۴۰۰)، و نهایتاً در مباحث در حیطه علل شکل‌گیری جوامع متمدن و تمدن‌سازی همراستا با مطالعات: محمدی‌پور (۱۳۹۷)، تبریزی‌زاده اصفهانی (۱۳۹۹)، مخلصی و شیخ‌الاسلامی (۱۴۰۰) و شفیع‌داری و باقریان (۱۴۰۰)، می‌باشد.

تعادل ناشی از تعامل نیروهای جاذبه و دافعه در اجرام آسمانی و جمادات و نیز تعادل رفتاری موجودات زنده با بکارگیری ابزار پایه‌ای خشم و هوس، گرایش عمومی به برقراری تعادل در ارکان آفرینش را متبیین می‌نماید. ادیان آسمانی با استفاده از ساختار و محورهای پایه‌ای مشترک و با بهره‌گیری از آموزه‌های الهی و ایثارگونه، نقش بیشینه‌ای در بروز افعال کنترل‌شده ایفا می‌نمایند. مکاتب آسمانی با کنترل غرایز ذاتی بشر، کمک نموده تا نسل بشر بهترین استادها و الگوهای عینی و ذهنی را انتخاب و متعاقب آن فعلیت‌های معتادل غریزه‌ای، ذهنی و عینی بهینه را به نحوی بروز نمایند که بیشترین نتایج اخلاقی و عرفانی در

جوامع انسانی متبلور گردند. افعال تعادلی نکته مقابل آزادی کامل و رفاه طلبی مطلق بشر، در برگزیده کلیه افعال کنترل شده بشر بوده که رابطه تنگاتنگی با بیداری معنوی و هوش اخلاقی داشته و تحت تاثیر افعال فطری، افعال باوری و مکتبی و نهایتاً افعال تقلیدی و اساتید زنده و موجود می‌باشند. بعنوان نمونه افزایش آگاهی نه تنها باعث افزایش بیداری می‌گردد، بلکه افزایش بیداری از منابع دیگر نیز به افزایش سطح آگاهی بشر می‌انجامد. به این ترتیب بشر جهت گسترش ارتباطات سازنده بیشتر متمایل به بهره‌گیری از انواع هوش زیستی و اجتماعی و گسترش هوش اخلاقی می‌گردد. لذا افزایش سطح آگاهی بشر در کنار افزایش بهره‌مندی از هوش اخلاقی، باعث گسترش توجهات به اخلاقیات و بروز الگوهای رفتاری متمدانه می‌گردد. با توجه به پیچیدگی و ارتباط درهم‌تنیده متغیرها، می‌تواند تحلیل‌های متنوعی برای ارتباطات فی‌مابین مولفه‌های اخلاقی، هوش اخلاقی و بیداری معنوی ارائه نمود که در نهایت برآیند این تحلیل‌ها، الگوهای رفتاری متمدانه را بعنوان متغیر هدف و نهایی مطالعه، تحت تاثیر قرار خواهد داد.

مفهوم فلسفی بیداری معنوی و بصیرت (حکمت و تشخیص سره از ناسره) در تمایز "مشاهدات" و "ادراک مشاهدات" نهفته است. ملاحظه و رویت ممکن است بدون آگاهی در خصوص پدیده‌ها و روابطی علت و معلولی آن‌ها صورت پذیرفته و مشاهدات بدون تجزیه و تحلیل، صرفاً از جلوی پرده چشم عبور نمایند. ولیکن ادراک مشاهدات و پردازش‌های مغزی آن‌ها، برداشت عرفانی از واژه بیداری می‌باشد. بیداری بعنوان یک حس پایه‌ای و اساسی در کیفیت افعال بشری نقش آفرینی نموده و کلیه افعال و اعمال عبادی و ارزشی و حتی فعالیت‌های یومیه و امرار معاش در سایه بیداری معنوی و برنامه‌ریزی متعالی می‌گردند. تمامی سیستم‌های تدافعی و تهاجمی در انسان‌های اولیه و جوامع مدرن صنعتی در نتیجه بیداری و آماده‌باشی سیستماتیک قابل پیاده‌سازی می‌باشد. بیداری و خودباوری، نخستین مرحله از فرآیند مشارکت مردمی بوده و اصلی‌ترین راه‌کار برای دستیابی به وضعیت مطلوب می‌باشد. (حسینی و محبی، ۱۳۹۷، ۳۰) تحلیل عرفانی بیداری، کاربردهای متنوعی داشته و می‌تواند به معنی آگاهی عمیق، هوشیاری در فهم صحیح روابط علی حاکم در جوامع (قوه تشخیص حق از باطل)، خودشناسی استراتژیک، خودآگاهی و کنترل هوشمندانه پویا باشد. آگاهی در مقابل جهالت و خرافات، خودشناسی در مقابل عدم خودباوری، هوشیاری در مقابل خواب و غفلت، خودآگاهی در مقابل افسردگی و اعتیاد، بخشش در مقابل خودخواهی، مسئولیت‌پذیری در مقابل بی‌بند و باری (صنعت سکس) و سایر فضایل اخلاقی در مقابل ردیلت‌های اخلاقی مترادف، قابل تحلیل می‌باشند. هوش اخلاقی ترکیبی از خودآگاهی، خودکنترلی و اراده بوده و توانایی تشخیص افکار و رفتار درست از غلط و کنترل افکار و رفتار ناشایست را به فرد می‌دهد. (سلطانی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۶) بیداری نسل بشری و توجه به اخلاقیات و معنویات می‌تواند باعث افزایش سطح شعور و درک عمومی و ارتقاء معرفتی و بصیرتی جوامع گردد. زندگی بشر در خواب و غفلت و اسیر شدن آن‌ها در اعتیادهای جسمانی به انواع دخانیات، اعتیادهای نیمه جسمانی همانند مشروبات الکلی و اعتیادهای ذهنی و فکری به انواع گیم‌های طراحی شده با مقاصد خاص، تقلید از انواع سلبریتی‌ها، اعتیاد به فضاهای مجازی و... که بررسی‌ها بیانگر خواب‌زدگی و غفلت طیف گسترده‌ای از بشر می‌باشد. برخورداری از هوش اخلاقی و بیداری معنوی جوامع می‌تواند از ابتلای نسل بشری به فرقه‌های باطل و انحرافی جلوگیری نماید. عقل بعنوان یک منبع شناخت و پردازشگر اصلی تجربیات آزمون‌پذیر، نقش اساسی و پایه‌ای را در بیداری معنوی بشری و ارتقاء مولفه‌های اخلاقی در جوامع بشری را عهده‌دار می‌باشد. چرا که عملکرد عقل در تحقق تمام مولفه‌های اخلاقی و بیداری و نهایتاً تاثیرگذاری نهایی آن‌ها شاخص هدف، انکار ناپذیر و مسلم می‌باشد.

با توجه به مبانی نظری مدل‌سازی ارائه شده در مطالعه حاضر، پیشنهاد می‌گردد جهت بسط نتایج نظری به کاربردی در مطالعات آتی، با بهره‌گیری از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره و ساخت شاخص ترکیبی الگوهای رفتاری متمدانه اقدام شود. در این خصوص در مطالعه محمدی پور (۱۴۰۱، ۵۹-۶۷) هفت رویکرد علمی متناسب برای آنالیز و ساخت شاخص ترکیبی هدف ارائه شده که هر یک از آن‌ها می‌توانند برای مدل‌سازی عملیاتی موضوع اخیر مورد استفاده قرار گیرند.

منابع و مراجع

- [۱] ابراهیمی، ابوالفضل. ۱۳۸۶. «درآمدی بر برخی از مهمترین مبانی و نظریه‌های کثرت‌گرایی دینی». پژوهشنامه ادیان. سال ۱. شماره ۲. صفحه ۱-۲۸.
- [۲] بینشیان، زهرا. خسرو فغانی ماکرانی و خدیجه اسلامی. ۱۴۰۰. «ارائه مدلی جهت ارزیابی و سنجش تاثیر انواع هوش‌های موثر بر تصمیمات سرمایه‌گذار». دانش سرمایه‌گذاری. سال ۱۰. شماره ۳۹. صفحه ۴۳۹-۴۶۴.
- [۳] تبریزی‌زاده اصفهانی. راضیه. ۱۳۹۹. «مؤلفه‌های فرامادی تمدن‌ساز از منظر قرآن کریم». قرآن، فرهنگ و تمدن. سال ۱. شماره ۲. صفحه ۱۲۷-۱۵۰.
- [۴] جابری، امیر، ۱۴۰۰. «بررسی تاثیر هوش اخلاقی بر عملکرد بازاریابی با نقش میانجی بازاریابی اخلاقی در شرکت‌های فعال شهرک‌های صنعتی منطقه ارسباران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی. استاد راهنما: ابراهیم دادفر. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد مشکین‌شهر. صفحه ۱-۸۹.
- [۵] جعفری، نرگس. احمد سلحشور. ایراندخت فیاض و محمد عسکری. ۱۴۰۰. «تدوین الگوی مفهومی خودآگاهی مبتنی بر اندیشه‌های شهید مطهری(ره)». فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال ۱۲، شماره ۴۸، صفحه ۱-۲۴.
- [۶] جواهری، سارا. ۱۴۰۰. «رابطه هوش اخلاقی و هوش اجتماعی با رضایت زناشویی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. استاد راهنما: محمدسعید عبدخدایی، استاد مشاور: جعفر طالبیان شریف، موسسه آموزش عالی حکمت رضوی، صفحه ۱-۸۵.
- [۷] حسنی، مجتبی. سیدحسین حسینی و مهدی قلی‌نژاد. ۱۳۹۶. «امام، مردم، اقتصاد: تبیین الگو و معیارهای اقتصاد مردم‌محور مبتنی بر اندیشه امام خمینی(ره)». بسیج دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، جلد اول، صفحه ۱-۲۵۴.
- [۸] حسینی، سید حسین و محمد تقی محبی. ۱۳۹۷. «نقش بیداری و خودباوری ملی در تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اندیشه امام خمینی». اقتصاد مقاومتی، سال ۳، شماره ۵، صفحه ۹-۳۲.
- [۹] داودی، محمد. ۱۳۹۲. «اخلاق اسلامی(مبانی و مفاهیم)». دانشگاه پیام نور، تهران، چاپ دوم، صفحه ۱-۱۹۳.
- [۱۰] سلطانی، زیبا، هادی ابراهیمی. محمد شهیدنیک و جواد هاشمی. ۱۴۰۰. «ارائه مدل ارتباطی هوش اخلاقی با معنویت- کاری با میانجی‌گری سرمایه‌های روان‌شناختی در کارکنان نیروهای مسلح». روانشناسی نظامی، سال ۱۲، شماره ۴۶، صفحه ۷-۲۰.
- [۱۱] شفیع‌داری، سید محمد و زهره باقریان. ۱۴۰۰. «ویژگی‌های انسان تمدن‌ساز از منظر قرآن کریم». قرآن، فرهنگ و تمدن، سال ۱، شماره ۳، صفحه ۶۲-۷۹.
- [۱۲] طباطبایی، سید مصطفی. ۱۴۰۰. «عوامل و موانع تعمیق باورهای دینی در فرهنگ عمومی جامعه(مطالعه موردی: رویکرد شهید مطهری به دین، با تکیه بر آیات قرآن کریم)». قرآن، فرهنگ و تمدن، سال ۱، شماره ۴، صفحه ۹۸-۱۱۹.
- [۱۳] علیان‌سب، سیدضیاء الدین و اکرم سرووند. ۱۴۰۰. «مستندات قرآنی بیداری جامعه بشری بر مبنای فطری بودن وحدت». مطالعات بیداری اسلامی، سال ۱۰، شماره ۲۰، صفحه ۷-۲۴.
- [۱۴] علیزاده صوفیانی، شبنم. ۱۴۰۰. «رابطه بین هوش هیجانی، معنوی و اخلاقی معلمان دوره ابتدایی ماکو با رضایت از زندگی و رضایت شغلی آنان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، استاد راهنما: کریم سعیدشعبانلو، استادمشاور: صدرا علیپور، دانشگاه آزاد اسلامی، منطقه آزاد ماکو، صفحه ۱-۱۱۵.
- [۱۵] عیلزاده، مهدی و حجت‌الله آزاد. ۱۳۹۲. «ایمان از منظر اسلام و نقش آن در تحول فضایل اخلاقی با تأکید بر اخلاق زیست پزشکی». اخلاق زیستی، سال ۳، شماره ۷، صفحه ۱۳-۵۱.
- [۱۶] غریبی، حمیدرضا. محمدعلی بشارت و جمیل منصوری. ۱۴۰۰. «پیشبینی سطوح به‌شیراری بر اساس ابعاد کمال‌گرایی خودمحور، دیگرمحور و جامعه‌محور». پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، سال ۱۲، شماره ۱، صفحه ۱۶۷-۱۸۱.
- [۱۷] کاپلستون، فردریک چارلز. ۱۳۸۶. «تاریخ فلسفه(یونان و روم)». ترجمه سیدجلال الدین مجتوبی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، جلد اول، صفحه ۱-۶۰۲.
- [۱۸] کیمیائی‌اسدی، حسن و نسرین شیرمحمدی. ۱۳۹۹. «استانداردسازی مقیاس FOUR برای ارزیابی سطح هوشیاری بیماران بستری در ICU در ایران». مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، سال ۱۴، شماره ۸، صفحه ۱-۹.

- [۱۹] لطیفی، عبدالحسین. ۱۳۹۷. «واکاوی مفهوم اطاعت در عهد عتیق». پژوهشنامه ادیان، سال ۱۲، شماره ۲۴، صفحه ۱۶۳-۱۸۱.
- [۲۰] فرزین‌راد، بنفشه. مریم رشیدیان. زینب شاکری جویباری و ابراهیم دهقانی اشکذری. ۱۴۰۱. «بررسی روایی و پایایی نسخه ایرانی مقیاس ذهن آگاهی فیلادلفیا در مراجعان مراکز مشاوره و روان درمانی». پژوهش‌های کاربردی روان-شناختی، سال ۱۳، شماره ۱، صفحه ۳۴۵-۳۶۲.
- [۲۱] محبیان، پروانه. ۱۴۰۰. «تدوین برنامه درسی هوش اخلاقی کودکان پیش از دبستان براساس نظریه بوربا». پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، استاد راهنما: بدرالسادات دانشمند، استاد مشاور: عباس رحمتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، صفحه ۱-۱۵۰.
- [۲۲] محمدی‌پور، علی. ۱۳۹۷. «مدلسازی تحلیلی نقش بیداری در بروز افعال تعادلی با رویکرد علمی‌عرفانی». نخستین همایش ملی اخلاق و عرفان در ادب فارسی، زاهدان، صفحه ۱۱۷۹-۱۲۱۵.
- [۲۳] محمدی‌پور، علی. ۱۴۰۱. «بررسی آثار یارانه انرژی بر تحقق توسعه پایدار با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره MADM و رویکردهای ارزیابی Topsis و VIKOR - مطالعه موردی کشورهای: ایران، چین، هندوستان، عربستان، روسیه، آلمان، آمریکا و ژاپن». پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال ۲۲، شماره ۴، صفحه ۳۴-۷۸.
- [۲۴] محمدی‌پور، علی. علی سلمانپور زوز و سید فخرالدین فخرحسینی. ۱۴۰۰. «بررسی تاثیر شوک‌های قیمتی حامل‌های انرژی بر اقتصاد کلان ایران: رویکرد الگوی تعادل عمومی تصادفی پویا (DSGE)». پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۴۴، صفحه ۸۵-۱۰۴.
- [۲۵] مخلص، حمیده و محمود شیخ الاسلامی. ۱۴۰۰. «مطالعه تطبیقی نظام آموزش اخلاق در نهج‌البلاغه و اندیشه امیل دورکیم». اخلاق و حیانی، سال ۹، شماره ۲۰، صفحه ۱۰۳-۱۴۰.
- [۲۶] مظاهری، عبدالرضا. ۱۳۸۹. «وحدت ادیان از دیدگاه مولانا». پژوهشنامه ادیان، سال ۴، شماره ۸، صفحه ۷۷-۹۵.
- [۲۷] مومنی‌جو، نرگس. ربابه ربانی. امید میرزایی فندخت و زهرا رضانی قهدریجانی. ۱۴۰۰. «پیشبینی سرسختی روانشناختی دانشجویان در دوران کرونا: نقش مقابله‌های مذهبی و هوش اخلاقی». مجله علمی پژوهان، سال ۱۹، شماره ۴، صفحه ۲۵-۳۲.
- [۲۸] نیرمانی، نسترن و محمدعلی کرامتی. ۱۳۹۹. «تأثیر هوش اخلاقی بر وجدان کاری کارکنان سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران». توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، سال ۱۵، شماره ۵۶، صفحه ۴۵-۷۰.
- [۲۹] نمازی، حسین. ۱۳۷۴. «نظامهای اقتصادی». مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، تهران، صفحه ۱-۲۶۵.
- [30] Alvarez, S. A., & J. B. Barney. 2007. "Discovery and Creation: Alternative Theories of Entrepreneurial Action". Strategic Entrepreneurship Journal, Vol.1, No.1-2, pp.11-26.
- [31] Auliya, F., Y.K., Pranoto. S. Sunawan, & A. Sunarso, 2021. "The permissive non-parental childcare and moral intelligence: Indonesian setting". International Journal of Evaluation and Research in Education, Vol.10, No.2, pp.569-575.
- [32] Cayoun, B.A., E.F. Sarah, & G.S. Alice. 2019. "The Clinical Handbook of Mindfulness-integrated Cognitive Behavior Therapy: A Step-by-Step Guide for Therapists". Haboken: Wiley Blackwell, pp.1-386.
- [33] Ferrentino, Rosa & Luca Vota. 2021. "A System of Simultaneous Equations (SEM) for the Study of the Effectiveness of the Japanese Monetary Policy". Applied Mathematics, Vol.12, No.5, pp.407-420.
- [34] Geary, D.C. & K. M. Xu. 2022. "Evolution of Self-Awareness and the Cultural Emergence of Academic and Non-academic Self-Concepts". Educational Psychology Review, pp.1-27.
- [35] Johanson M., K. Valli, A. Revonsuo, J.E. Chaplin, J.E. Wedlund. 2008. "Alterations in the Contents of Consciousness in Partial Epileptic Seizures". Epilepsy and Behavior, Vol.13, No.2, pp.366-371.
- [36] Kingston, J., P. Chadwick, D. Meron & T. C. Skinner. 2007. "A Pilot Randomized Control Trial Investigating the Effect of Mindfulness Practice on Pain Tolerance, Psychological Well-

- being, and Physiological Activity”. *Journal of Psychosomatic Research*, Vol.62, No.3, pp.297-300.
- [37] Mohammadipour, A. 2018. “Energy Strategic Planning in Iran within the Framework of Sustainable Development by Using SWOT Technique”. *International Journal of Economics & Management Sciences*, Vol.7, No.4, pp.1-10.
- [38] Schutte, N. S., & J. M. Malouff. 2018. “Mindfulness and Connectedness to Nature: A Meta-Analytic Investigation”. *Personality and Individual Differences*, Vol.127, pp.10-14.
- [39] Wyart, V. & C. Tallon-Baudry. 2009. “How Ongoing Fluctuations in Human Visual Cortex Predict Perceptual Awareness: Baseline Shift versus Decision Bias”. *The Journal of Neuroscience*, Vol.29, No.27, pp.8715-8725.